

قابل ذکر است که هنر قالیبافی خیلی کم به معنای شناخت ارزش های اصیل و پر بارش در نظر مردم کوچه و بازار شناخته گردیده، علت عمده این عدم شناخت و آگاهی، انحصاری بودن این هنر در استفاده قشرهای



دانشگاه آزاد فرش ایران رئاسیسی کنیم

اثر: استاد عبدالله باقری



خاص در هر دوره بوده، مردم هرگز امکان این را نداشته اند همچنانکه از یک صحنه کاشیکاری زیبا و بدیع مسجدی که همه گاه در دیدگان شان بوده و هر روز آنرا تماشا می کرده اند از دیدن یک قالی زیبا لذت ببرند، مردم تا قبل از رواج فرش ماشینی برای زیرانداز خود اغلب از حصیر یا نم استفاده می کردند حصیرهای زیبایی که غالباً از بافت و طرح خوبی برخوردار بوده و یا نمدهای جالبی که با همه جنس زمخت، نقش و طرحی جالب داشته، امروز شما در روستاها، ایلات با همه هنرمندی بافندگان قالی هنوز هم زیرانداز آنها را اغلب

● فرش ایران عمری دراز و کهن دارد، روایتش کوتاه نیست، حرف از تلاش نسل های بی شمار هنرمندان با ذوق این سرزمین در میان است، با این حساب، با این قدمت و با توجه به اینکه جز یکی دو مورد استثنایی که نشانه هائی از گذشته های دورش در دست داریم، واقعاً مشکل است در باره گذشته فرش ایران قضاوت کرد، چرا که فرش کاسه و کوزه نیست که از چند هزار سال پیش زیر خاک باقی مانده باشد بنا نیست که حتی از شالوده اش، چگونگی بود و نبودش را توصیف کنیم، فرش آمیزه ای از تار و پود است که گذشت زمان چندان امانش نمی دهد، خیلی زود می پوسد و بندرت می ماند. با توجه به این مسئله مهم، بنده اظهار نظری مطمئن در باره گذشته فرش نمی نمایم، شاید هم اطلاعاتم محدود است اما آن چه را که قائل هستم و به جرئت می توانم بازگو کنم، قرائن بسیاری نشان می دهد که محل تولد و رشد و پاگیری هنر فرش در سرزمین خودمان بوده است، چرا که از گذشته های دور تا به امروز سرزمین ما با چنین هنری مشهور بوده و فرش ایران همیشه الگوی رواج هنر قالی در سایر ممالک دنیا بوده، شاید علت عمده اعتبار و توسعه و ماندگاری و مرغوبیت قالی ایران در توجه خاصی بوده که سوی هنر مردم ما به فرش به عنوان یک صنعت و پشتوانه مالی و اقتصادی داشته اند. چه مردم شهرنشین و چه ایلات و روستاها.

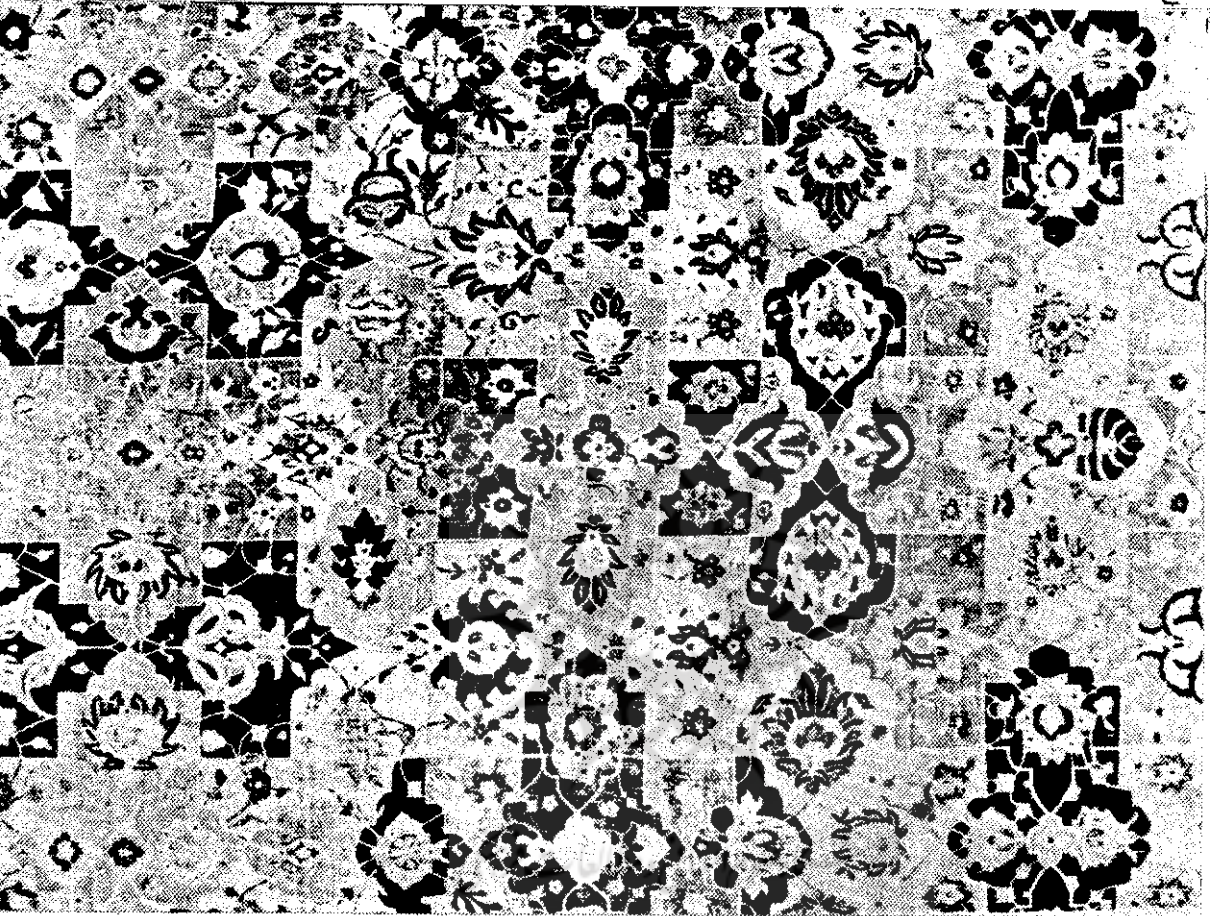
هنری بدور از تفنن

هنر قالیبافی هرگز به عنوان یک تفنن در نظر بافندگان و طراحانش مطرح نبوده، همه گاه حرفه ای جدی، هنری فراخور تحسین قلمداد شده، حالا بگذریم که این هنر نیز همانند سایر هنرها مورد تاراج و سوء استفاده عده ای خاص همه گاه قرار داشته، اما در مقابل برای هنرمندان عاشق و صادق این هنر، قالی حرمت داشته، ارزش داشته، آنها برای کارشان، ذوقشان ارج و احترام قائل بوده اند.

شناخت و آگاهی مردم

فرش ایران با صداقت، همانند نقاشی که رودررو با طبیعت اطراف خود به نقش و ثبت دیدنی‌ها تشبیه است، آنان نیز دقیقاً در رابطه با آنچه را که در اطراف خود دیده و تجربه کرده‌اند، نقوش را بردار قالی و تن

حصیر یا نمد می‌بینید، اما این مردم با همه غربت و ناآشنائی همیشه قالی را دوست داشته‌اند، و گاه حتی همه سرمایه زندگیشان را در قطعه‌ای کوچک یا بزرگ، جمع کرده‌اند، همان اصلی که سبب ماندگاری فرش



قالی پیاده کرده‌اند، شیوه‌ای که سبب تنوع نقش‌ها و اختصاصات قالی ایران در گوشه و کنار این سرزمین گردیده، به عبارتی دیگر از نقش و طرح یک قالی، از رنگ تار و پود یک قالی به آسانی می‌توان اقلیم و منطقه خاص بافت قالی را مشخص کرد، در مناطق شمالی طرح و نقش قالی‌ها، حکایت از سرسبزی و طراوت دارد و بالعکس رنگها در مناطق جنوبی رو به تیرگی می‌نهد، همین است که قالی هر منطقه را مثل برگه‌ای از کتاب می‌شود خواند، حتی از لابلای نقش‌ها و طرح‌هایش شادی‌ها و غم‌های بافندگان را آشکارا دریافت.

ایران در طی قرون مختلف گردید.

ویژگی‌های نقش قالی

قالی ایران بدلیل تنوع آب و هوا، شرایط اقلیمی و جغرافیائی در گوشه و کنار ایران، با نقش و طرح‌های گوناگون، همه‌گانه دارای ویژگی و امتیازات خاص بوده است و از محدود هنرهائی است که در این رابطه به حیات پربار خود ادامه داده است. نقاشان و طراحان قالی، بافندگان سخت‌کوش

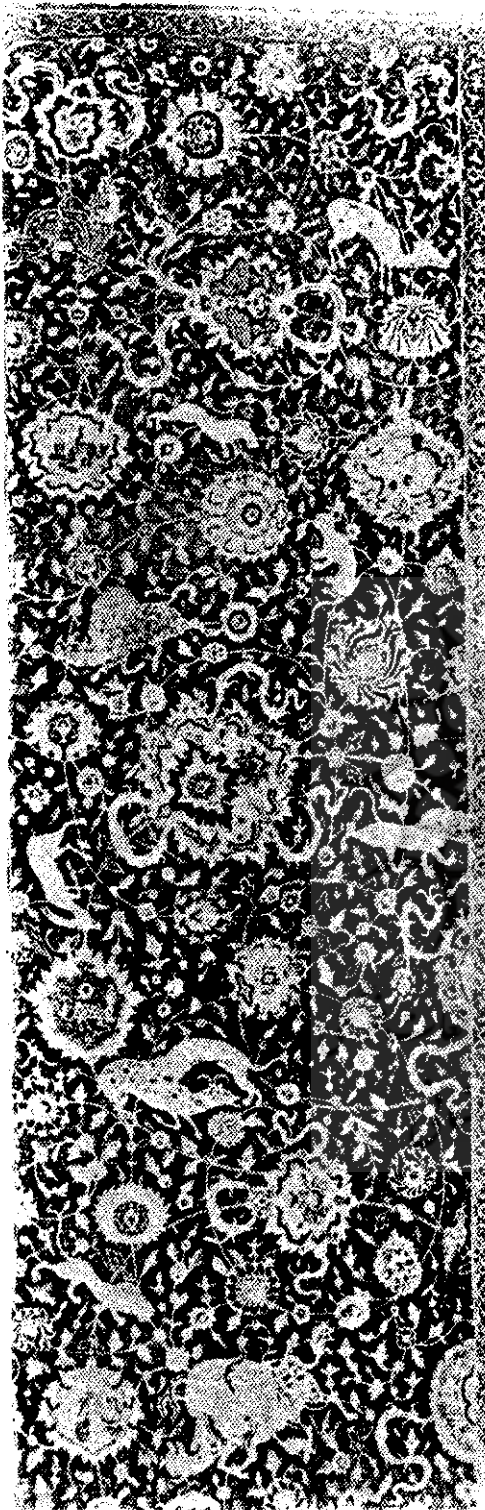
باتوجه به اعتباری که هنرهای ظریفه، همانند کاشیکاری، تذهیب و سایر هنرها در هنر اسلامی دارا می شوند، قالی ایران نیز در این رهگذر از رونق و اعتباری ویژه برخوردار می شود، نقش های زیبا و متنوع کاشی کاری و تذهیب وارد فرش می شود و در فرش جلوه ای خاص می یابد، چندانکه در قرن سوم هجری آذربایجان یکی از عمده ترین مراکز قالیبافی ایران می گردد، در این قرن استفاده از نقوش اسلیمی و طرح های کاشی در فرش توسط هنرمندان گمنام مورد استفاده قرار می گیرد و در زمانهای بعد، خراسان، بخارا در کار توسعه هنر قالیبافی صاحب سهم و اعتبار می شوند.

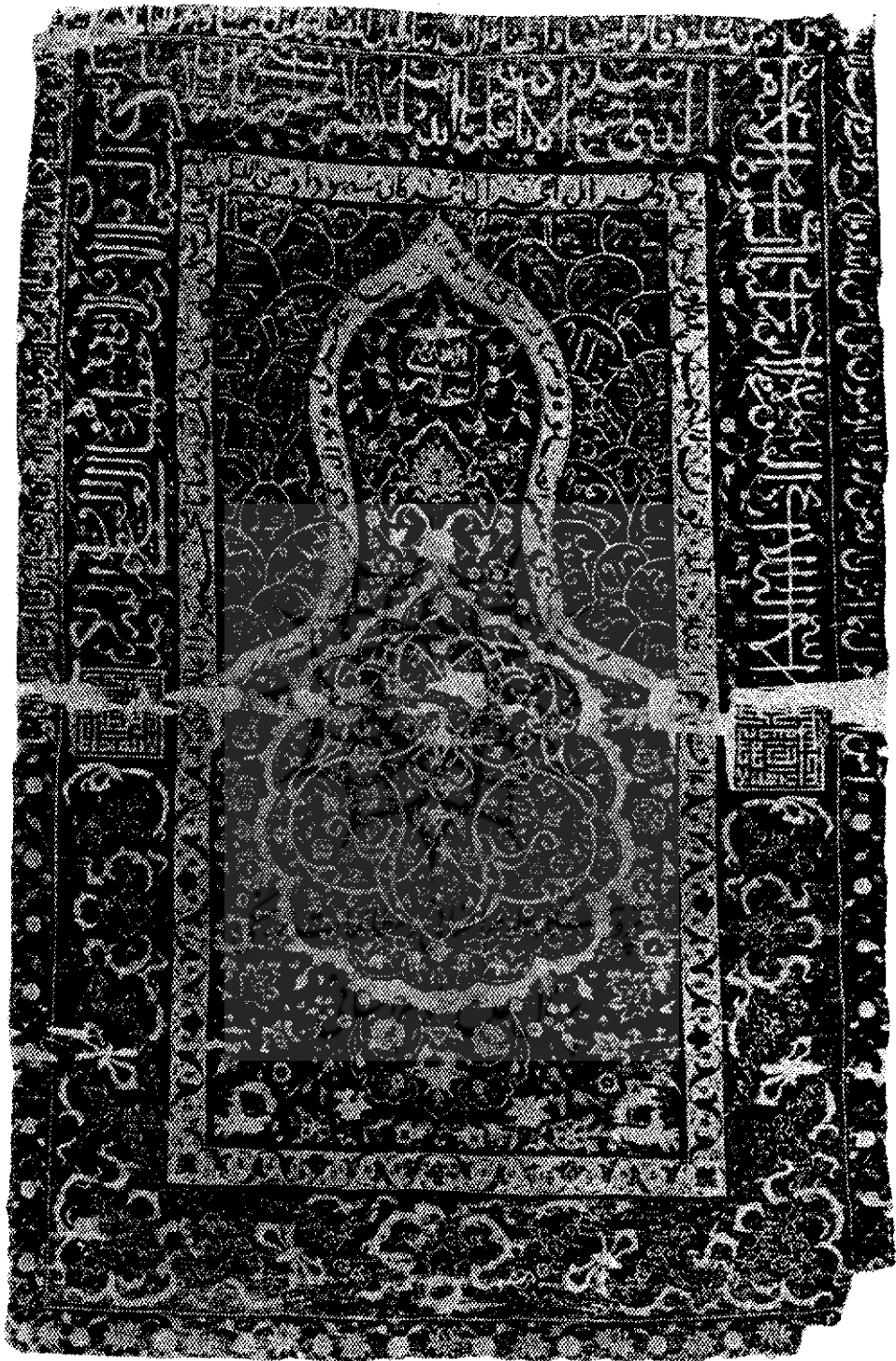
تحول تازه

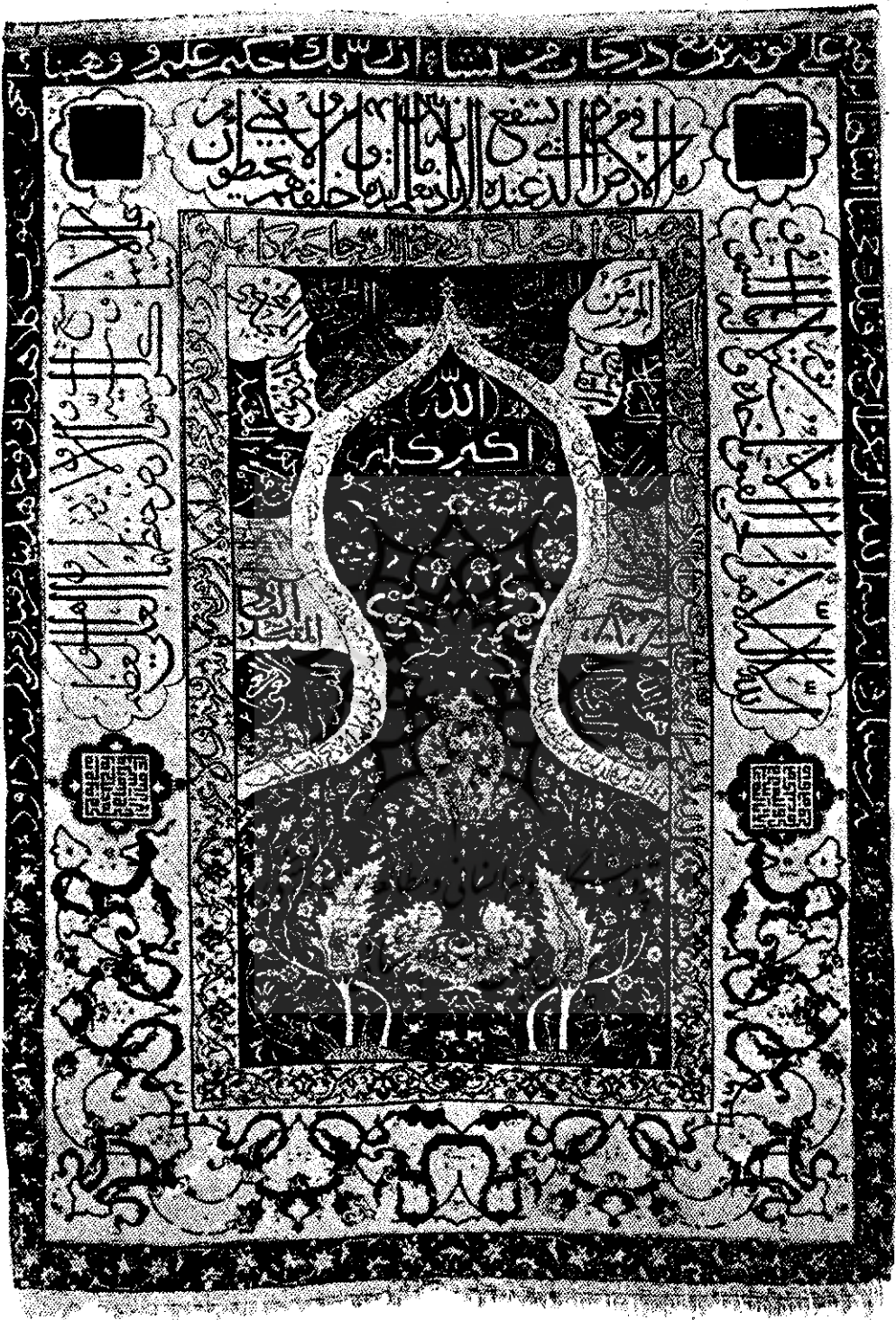
اما اگر قرار باشد، حیات و رونق چشمگیری برای فرش ایران قائل شویم، باید به تحولی که در زمینه فرش در طی قرون دهم تا دوازدهم در زمینه توسعه قالی ایران بوجود آمد رجوع کنیم، تحولی که هم از نقطه نظر نقش و هم بافت در سرنوشت قالی ایران بسیار موثر افتاد، در طول این مدت کارگاههای بسیار قالیبافی در گوشه و کنار ایران دایر گردید، استادان ماهر و هنرمندی پا به عرصه وجود نهادند، تا جایی که شیوه کار و راه آنان تا به امروز همچنان مورد تحسین و تقلید است.

تاسیس مدرسه صنایع قدیمه.

با توجه به این رونق و توسعه با تأسف فرش ایران در دوران قاجار بدلیل رواج موج تقلید از هنر فرنگی روبرو انحطاط نهاد، این تقلید در نقش و طرح و بافت قالی ایران اثرات نامطلوبی گذاشت، اسلیمی های اصیل بیکاره جایش را به نقش های رایج فرنگی سپرد، سفارشات مکرر اروپائیان، ذوق استادکاران را محدود ساخت فرش ایران از راهی که طی قرون مختلف پیموده بود بازماند قالی ایران سفارشی شد، لوکس شد، ظاهر و باطنش تغییر یافت نقشه های فرنگی به اسم «گل







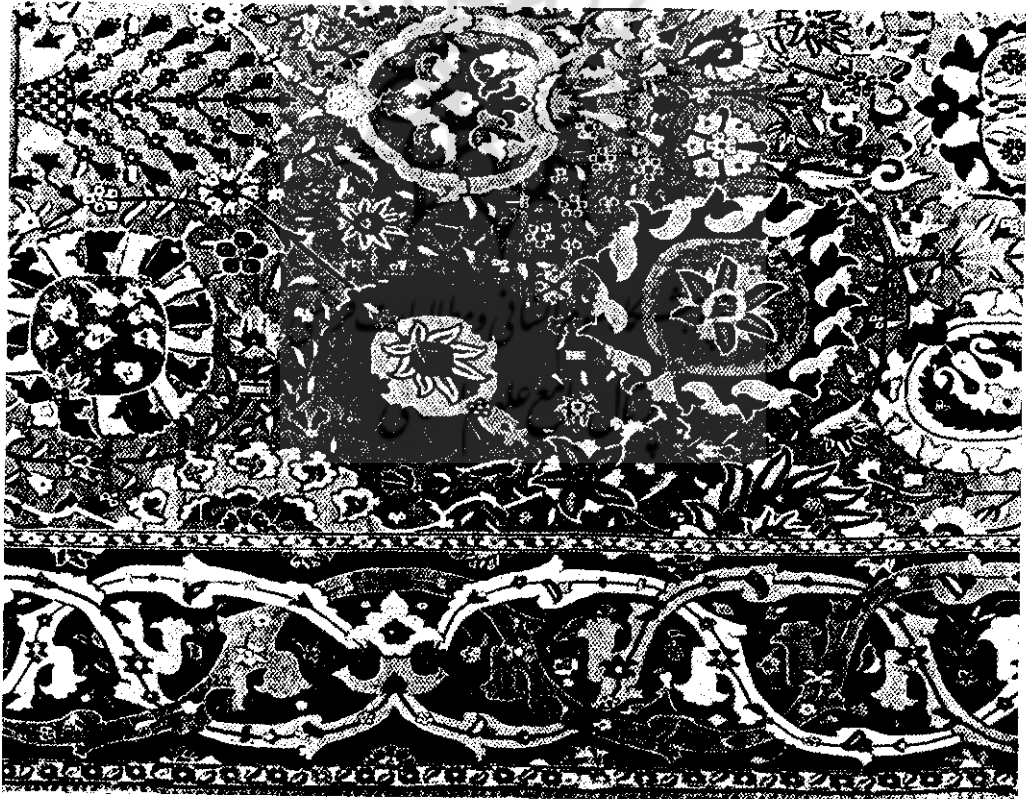
فرش شهری و ایللیاتی

می‌دانید که فرش ایران عموماً شامل فرش‌های شهری و ایللیاتی می‌شود که کاملاً از نقطه نظر رنگ و طرح باهم متفاوت هستند و همه گاه رقابت پنهان و آشکاری با یکدیگر داشته‌اند، فرش‌های شهری اغلب بدلیل برخورداری از امکانات بیشتر و نقشه‌های متنوع از روی اسلوب صحیح از مرغوبیت بیشتری برخوردار بوده و تنوع بیشتری داشته است.

بالعکس فرشهای ایللیاتی هم از لحاظ نقش و هم بافت محدودیت بیشتری داشته است، اما در یک جمع‌بندی نمی‌توان بیکباره از ارزش‌های فرش‌های ایللیاتی نیز چشم پوشید، چرا که این فرش‌ها نیز اغلب از زیبایی و استحکام و مهم‌تر از آنی برخوردار بوده‌اند، تا آنجا که گاه حتی بازار شهری را بخصوص در جلب مردم

فرزنگی» رایج گردید و این لطمه بزرگی برای فرش ما بود، با این همه نباید فراموش کرد که در این میان استادکاران عاشق دلسوخته‌ای در این میان بودند که دست از اصالت کار خود نکشیدند و تا حد توان از بی‌هویت شدن فرش ایران جلوگیری کردند. ما نمونه‌های خوبی از فرش‌های این دوران داریم که حاصل این زحمات و تلاش‌ها به شمار می‌رود.

تا آنکه مرحوم طاهر زاده همت کرد و مدرسه صنایع قدیمه را راه انداخت، استادکاران را دورهم جمع کرد، علاقمندان را تشویق نمود تا در راه اعتلای دوباره فرش ایران و حفظ ارزش‌های روبه فراموشی نهاده و غبار گرفته همت کنند، بنده نیز افتخار دارم که از جمله کسانی بودم که باعلاقه و عشقی که به هنر نقش‌قالی داشتم، وارد این مدرسه شدم، اساس کار تازه بیشتر با بازگشت و رجعت منطقی و اصولی به نقش‌های گذشته فرش ایران بوجود آمد.



عادی جذب کرده اند.

می شود.

با این حساب خوب است دوباره برگردیم به شرایط فرش ایران در گذشته های نه چندان دور، تلاش در رجعت به نقوش اصیل و زیبای فرش ایران تا مدتی توانست رونق از کف رفته فرش را باز گرداند، اما انحصار طلبی ها، سوء استفاده های مکرر و جنبه های تجارتي بخشیدن به فرش یکبار دیگر فرش ایران را دچار رکود و بی هویتی ساخت، عوامل این سقوط بسیار بود، از سوئی کار برد رنگهای شیمیائی بجای رنگهای طبیعی و در نتیجه بی دوامی رنگ فرش های ایران، در انحصار گرفتن کارگاههای قالیبافی صرفاً جهت صادرات و تجارت، رواج فرش ماشینی با نقش های تکراری و فاقد ارزش های فرش های دستیاف، دست به دست هم داده و فرش ایران را بی اعتبار ساخت، استادکاران، طراحان بافندگان اغلب دلسر شدند یا دست از کار کشیدند و یا جذب کارگاههای خصوصی شدند و بدلیل نیازمالی و تامين زندگي بی آنکه از خود ذوق و علاقه ای نشان دهند، تنها مطیع نظرات صاحبان این کارگاهها شدند، فرش ایران یک کالای پر منفعت تجارتي شد، نه یک هنر با ارزش، دست اندرکاران آنان را واداشتند با هر نقشه و طرحی با رنگهای شیمیائی و نامرغوب فرش بیافند و آنان از این راه سودی کلان به جیب زنند. تا جایی که حتی نقشه های اصیل و بی همتا بی آنکه بافته شود وسیله عده ای سودجو به فروش رفت، از نقشه های تکراری و دست دوم در کار بافت فرش های ایران استفاده شد و نقشه های اصلی از دست رفت، کار به جایی رسید که در سالیان گذشته فرش ایران را دیگر کسی به اسم و رسم فرش ایران نشناخت و در اثر استفاده از نقشه های اصیل فرش که دست به دست شده بود، فرش ایران بنام فرش مشرق زمینی شناختند.

شرایط فرش در گذشته نه چندان دور

کارگاههای بزرگ و کوچک فرش فعالیت گسترده شان محدود شد، به زبان دیگر در برابر تجارتي شدن فرش و یورش بی امان فرش های ماشینی جا خالی کرد،

مراکز عمده.

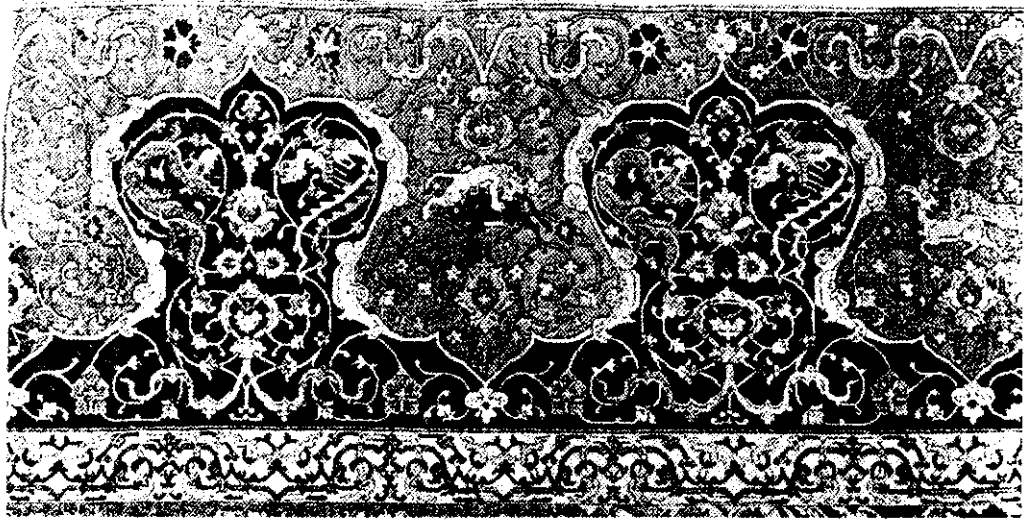
عمده ترین مراکز بافت فرش های مرغوب شهری را، شهرهای کرمان، تبریز، اراک، همدان، مشهد و کاشان تشکیل می دهند و در مقابل مراکز عمده فرشهای ایلیاتی در قشقایی، بلوچی، بختیاری و ترکمن قرار دارد، جالب است فرش ها هر کدام از شهرها و ایلات یاد شده دارای ویژگی و طرح نمونه ای است، بطور مثال قالی کرمان بدلیل پشم مرغوب و نتاییده اش از لطافت و نرمی قابل توجه ای برخوردار است و دارای نقش های متنوعی است، از قبیل نقش باز و بندگی که طرحی گرفته شده از باز و بند یا گردنبند است و یا نقش اردبیلی که مایه های اصلی نقش آن از قالی های اردبیل گرفته شده و یا کف ساده که نقشی خشتی و ساده دارد. در همین کرمان نقشی داریم به اسم سعدی خشتی که زمینه قالی تماماً گل است، گل های مختلفی که در طبیعت یافت می شوند و هنرمندان به سلیقه خود گاه رنگی و برگی تازه بر آنها افزوده اند و یا همان نقش اسلیمی در کار قالی کرمان.

فرش تبریز

در مقابل تبریز که بنده مدت شش سال در آنجا به کار نقاشی قالی مشغول بوده ام تابع هیچ نقش و طرح خاصی نیست، در تبریز کوشش بر آن است که با استفاده از هر نقشه زیبا و بدیعی قالی خوبی بویژه در بافت ارایه کنند، مرغوبیت اصلی فرش تبریز در بافت آن است، قالی تبریز ظریف است و به اصطلاح خودمان پوک است، پر دوام و زیباست، سوی تبریز در اردبیل، بیجار و تکاب هم فرشهای خوبی بافته می شود که از لحاظ طرح و نقشه در رنگ و بافت مشهور است و یا در کاشان که یکی از مراکز عمده فرش ایران از گذشته های دور تا به امروز بوده: و یا قم که هنرمندان ماهری در زمینه فرش دارد. در مقابل وقتی به طرح و نقشه قالی ایلیاتی نظر بیا فکتیم همین تفاوتها آشکار







اینها همه نتیجه بی توجهی و عدم دلسوزی لازم بود. در ابتدا متذکر شدم هنر قالیبافی در این سرزمین بدلیل موفقیت و بزه‌اش، پشتوانه‌ای غنی، هم از لحاظ هنری و فرهنگی و هم اقتصادی به شمار می‌رفته، شما در گذشته‌های نه چندان دور هیچ خانواده روستایی و یا ایلی را نمی‌یافتید که یک یا چند عضو خانواده ساعتی از گذران اوقاتش را به کار بافتن قالی نگذراند، اما با از میان رفتن معیارهای بافت فرش‌های مرغوب، با رواج فرش ماشینی این رکود حتی در روستاها و ایلات نیز مشهود شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهمترین اقدامات، جلوگیری از صادرات بی‌رویه فرش بود، کاری بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز، برچیدن آشفته بازاری که توسط عده‌ای سودجو در کار فرش بوجود آمده بود، اما این اقدام در راه نجات فرش ایران کافی نیست، فرش ایران نیاز به تجدید حیات دارد، استادکاران، طراحان، بافندگان هنرمند و گمنام در گوشه و کنار ایران اینک اغلب دست از حرفه اصلی کشیده‌اند در کارگاه‌های قالیبافی بندرت قالی‌های مرغوب و ماندنی بافته می‌شود مراکز یا مدارسی که به گونه‌ای جدی به تربیت استادکار همت کنند کم داریم، اگر هم داریم جوابگوی تجدید و رونق حیات فرش نیست.

در این زمان که کلیه شئون فرهنگی و هنری و اقتصادی ما به یمن پیروزی انقلاب اسلامی ایران متحول شده‌اند، به اعتقاد و پیشنهاد من لزوم تاسیس و برپائی دانشگاهی بنام دانشگاه فرش ایران امری حیاتی و ضروری بنظر می‌رسد. دانشگاهی که همه استادان فرش را از گوشه و کنار ایران دورهم جمع کند، علاقمندان و دانشجویان را گرد هم آورد تلاش تازه‌ای آغاز شود در احیای این هنر بی‌ظنیر در باز یافتن طرحهای اصیل قالی ایران، در تعلیم صحیح و علمی فرش ایران به نوجوانان و جوانان، در کاربرد و استفاده مجدد از رنگهای نباتی که به وفور، خداوند در کوه و دشت و بیابان این سرزمین در اختیار بندگانش قرار داده، در نظارت مستقیم مسئولان بکار صادرات فرش، در واقع تاسیس دانشگاه فرش ایران گاهی اساسی است در حفظ و رونق اعتبار فرش ایران، از تجارب گرانبهای استادکاران و هنرمندان فرش در این دانشگاه سود جوئیم، و نگذاریم چنین تجاربی آسان بدست فراموشی سپرده شود و با این راه هم در اعتلای هنر قالیبافی گام برداریم و هم در جهت خودکفائی به این پشتوانه غنی اقتصادی ارج نهیم، امید به خدا داریم که در آینده، شاهد شکوفائی و رشد و توسعه قالیبافی در سرزمینمان باشیم.